

فهرست عناوین

- ۹ ..... بررسی تطبیقی برهان نفس در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب  
یارعلی کرد فیروزجایی
- ۳۵ ..... بررسی چیستی و امکان نظام فلسفی شهودی با تحلیل مؤلفه‌های آن  
زهره محمدعلی میرزایی، محمد مهدی گرجیان عربی
- ۶۹ ..... پژوهشی در ادراکات اعتباری در علم کلام  
محمدعلی اسماعیلی
- تحلیل توقیت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روایت ابولبید «بازنمایی ترفند  
بهائیت در استناد به یک روایت» ..... ۹۹  
محمدعلی فلاح‌آباد، عزالدین رضانزاد
- طرحی نو در تبیین معنای حق (در دانش فلسفه حق) و تشخیص مصادیق آن ..... ۱۲۷  
محمدحسین طالبی
- ۱۴۵ ..... نقش شهود در فلسفه اسلامی  
جمال سروش

## بررسی تطبیقی برهان نفس در فلسفه اسلامی و فلسفه

### غرب

یارعلی کرد فیروزجایی

#### چکیده

اندیشمندان و فیلسوفان از راه‌های گوناگونی به اثبات خدا پرداختند. یکی از این راه‌ها، راه نفس است و برهانی که از این طریق بر اثبات وجود خدا اقامه شده، «برهان نفس» نامیده می‌شود. در فلسفه اسلامی نخستین بار سهروردی، که نفس‌شناسی را نقطه آغاز فلسفه‌ورزی خود قرار داده بود، از این طریق به اثبات خدا پرداخت و فیلسوفان بعدی مانند ملاصدرا، سبزواری و علامه طباطبایی راه او را ادامه دادند.

در فلسفه غرب، دکارت که نخستین اصل فلسفی خود را وجود اندیشنده و اندیشه‌های او اعلان کرده بود، درصدد برآمد از طریق وجود نفس و وجود مفهوم خدا در آن، به اثبات خدا پرداخت. برهان دکارت، «برهان علامت تجاری» نامیده شده است، ولی چون او نیز از طریق نفس و ویژگی آن به اثبات خدا پرداخته است، می‌توان برهان او را نیز برهان نفس خواند و با برهان نفس در فلسفه اسلامی مقایسه کرد. برهان دکارت ناتمام است؛ زیرا بر تقریری از اصل علیت مبتنی است که در آن، میان حیثیت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مفاهیم ذهنی خلط شده است، اما برهان فلسفه نفس در فلسفه اسلامی تام است.

**واژگان کلیدی:** برهان نفس، براهین وجود خدا، سهروردی، دکارت، اصل علیت، نفس‌شناسی، خداشناسی

## بررسی چیستی و امکان نظام فلسفی شهودی با تحلیل مؤلفه‌های آن

زهرا محمدعلی میرزایی<sup>۱</sup>، محمدمهدی گرجیان عربی<sup>۲</sup>

### چکیده

از بهترین راه‌های شناسایی چیستی و به دنبال آن، بررسی امکان تحقق هر نظام علمی، شناخت و تحلیل اصول ساختاری و مؤلفه‌های اساسی تشکیل‌دهنده آن و نیز درک چگونگی پیوند این مؤلفه‌ها در نظام علمی مذکور است. در نوشتار حاضر نیز برآنیم تا با تحلیل دو مؤلفه اساسی نظام فلسفی شهودی یعنی نظام فلسفی و شهود و نیز بررسی چگونگی پیوند این دو در این نظام، به شناختی از هویت فلسفه شهودی و به تبع، امکان تحقق آن دست یابیم. در جهت تأمین هدف مذکور، ابتدا با تحلیل مؤلفه‌های هر نظام فلسفی یعنی موضوع، روش و غایت و نیز بررسی چیستی شهود و جنبه معرفت‌بخشی آن روشن می‌شود که مراد از هویت فلسفی در این نظام، فلسفه به معنای خاص یعنی هستی‌شناسی یقینی عقلانی و مراد از شهود، روش شهود قلبی در اصطلاح عرفانی است. سپس، با بیان نحوه ارتباط عقل فلسفی با شهود عرفانی در فلسفه شهودی و همچنین، شرح چرایی تعامل این دو ابزار معرفتی در یک نظام هستی‌شناختی، علاوه بر تبیین چیستی نظام فلسفی شهودی و امکان تحقق آن، روشن می‌گردد، تحقق این نظام، نه فقط تناقض و امر محالی را در پی ندارد، بلکه می‌توان با بهره از نقاط قوت عقل و شهود، در ایجاد یک نظام معرفتی و نیز جبران نقاط ضعف آن دو در پرتو یکدیگر، نهایت هدف و کمال یک نظام علمی هستی‌شناختی منسجم و کارآمد را برآورده ساخت.

واژگان کلیدی: فلسفه، شهود، عقل، نظام فلسفی شهودی

## پژوهشی در ادراکات اعتباری در علم کلام

محمدعلی اسماعیلی

### چکیده

ادراکات حقیقی، انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس الامر است، ولی ادراکات اعتباری، فرض‌هایی است که ذهن آنها را به‌منظور رفع نیازهای حیاتی ساخته است و جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارند. درباره ارتباط استنتاج منطقی بین ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه نخست را مبنی بر نفی ارتباط منطقی، محقق اصفهانی پایه‌گذاری کرد و از سوی علامه طباطبایی، امام خمینی و شهید مطهری دنبال شد. اما مطابق دیدگاه دوم، بین ادراکات حقیقی با ادراکات اعتباری‌ای که پشتوانه حقیقی و نفس‌الامری دارد، رابطه استنتاج منطقی برقرار است. پیروان دیدگاه نخست در پرتو مبنای معرفتی فوق، کاربرد ادراکات حقیقی را در مسائل کلامی صحیح ندانسته، بیانگر خلط میان حقیقت و اعتبار می‌دانند. اما مطابق دیدگاه صحیح که بیانگر دیدگاه مشهور میان متکلمان و غالب فیلسوفان است، کاربرد ادراکات حقیقی در مسائل کلامی صحیح بوده، به‌عنوان یک پیش‌فرض معرفت‌شناختی، مورد پذیرش متکلمان قرار داشته و در دو حوزه تعاریفات و استدلال‌ات در علم کلام مشهود است. بر اساس این دیدگاه، مسائل کلامی، یا جزء ادراکات واقعی و نفس‌الامری است و یا در صورت اعتباری‌بودن، در نفس‌الامر ریشه داشته، جزء اعتباریات محض و مشمول شاخصه‌های ادراکات اعتباری محض نیست.

**واژگان کلیدی:** ادراکات اعتباری، ادراکات حقیقی، خلط حقیقت و اعتبار، استنتاج منطقی، علم کلام

## تحلیل توقیت ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روایت ابولبید «بازنمایی ترفند بهائیت در استناد به یک روایت»

محمدعلی فلاح آباد<sup>۱</sup>، عزالدین رضانژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

روایت ابولبید در بیان رمز و راز حروف مقطعه قرآن، به قیام قائمانی هنگام تحقق حروف مقطعه فواتح سور اشاره دارد. در این روایت، ظهور حضرت حجت علیه السلام را در تحقق «الر» یا «الم» دانسته است. علامه مجلسی در *بحار الانوار* چند احتمال را در مراد روایت بیان کرده و در کتاب رجعت دچار توقیت احتمالی گشته، سال ۱۱۵۵ ق. را سال ظهور احتمالی تعیین می‌کند. از سوی دیگر، این روایت می‌تواند خاستگاهی برای سوءبرداشت‌ها باشد؛ چنان‌که فرقه بهائیت به‌وسیله ابوالفضل گلپایگانی، این روایت را دلیلی بر حقانیت ادعای علی محمد شیرازی ملقب به باب در سال ۱۲۶۰ ق دانسته است. راقم این سطور با روش توصیفی - تحلیلی درصدد تبیین محتوایی و سندی این روایت است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد این روایت که دچار ضعف سند و دلالت است، در امر خطیر امامت (یا نبوت ادعایی) قابل استناد نیست و در صورت استناد، کاملاً مطابق بر حضرت مهدی علیه السلام است.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی 7، ظهور، ابولبید، توقیت، حروف مقطعه، بهائیت

## طرحی نو در تبیین معنای حق (در دانش فلسفه حق) و تشخیص مصادیق آن

محمدحسین طالبی

### چکیده

تنها مفهوم صحیح حق در دانش فلسفه، حق شایستگی است. این مفهوم، هم همه موارد حق را دربرمی‌گیرد و هم مانع اندراج غیرحق زیر عنوان حق می‌شود (جامع افراد و مانع اغیار است). مفهوم شایستگی، از مقایسه انواع صاحبان حق مختار یا غیرمختار با اهداف مطلوب واقعی (غیرپنداری) یا مقاصد حرکت طبیعی‌شان و با توجه به تناسب افعالی که صاحبان حق را به هدف مطلوب یا مقصد حرکت می‌رساند، به دست می‌آید. عقل در برخی از موارد به طور مستقل قادر به شناسایی حقوق موجودات است، ولی در بیشتر موارد باید برای شناسایی حقوق موجودات و راه‌هایی که آنها را به حقشان می‌رساند، از وحی کمک بگیرد.

واژگان کلیدی: حق، معنای حق، صاحب حق، حق اصیل، حق تبعی، شایستگی.

## نقش شهود در فلسفه اسلامی

جمال سروش

### چکیده

مشهور است که در فلسفه اسلامی، مقوم و رکن اصلی، برهان، یعنی اقامه استدلال قیاسی است و شهود در این علم ارزش و جایگاهی ندارد، مگر از باب مقدمه یا تأیید. در این مقاله توضیح داده‌ایم که شهود نه فقط در آغاز فلسفه (اثبات مبدأ تصدیقی آن)، و در برخی مسائل فلسفه مانند اثبات تجرد علم، اثبات تجرد نفس در برهان طلق، اثبات علم و اقسام آن (علم حصولی و علم حضوری)، اثبات برخی مقدمات اصالت وجود و نیز تبیین نحوه ادراکات حسی، کارایی دارد، بلکه در همه استدلال‌های برهانی نیز نقش اساسی و ریشه‌ای از آن شهود است. به تعبیر دیگر، هیچ مسئله فلسفی نیست، مگر اینکه یا مستقیماً مشهود نفس است یا در نهایت به شهود بازمی‌گردد. بنابراین، شهود بی‌واسطه یا باواسطه منشأ ارزش و اعتبار همه مدعیات و برهان‌های فلسفی است و اگر شهود نباشد، ارزش و جایگاه برهان نیز فرومی‌ریزد.

واژگان کلیدی: فلسفه اسلامی، شهود، برهان فلسفی، علم حضوری